

بنام خداوند جان و خرد

کارنامه سیاه تجاوز مستمر به منافع ملی ایران را در ارزیابی دیپلماسی فعال انگلستان در منطقه، فراموش نکنیم.

کشورهایی چون فرانسه، آلمان، روسیه و چین، در حالیکه می‌کوشند که تسلیم بی‌چون و چرای آمریکا نشوند. حتی وزیر دادگستری آلمان، بوش را با هیتلر در عملکرد همسان معرفی می‌کند.

و از آنجا که منافع ملی آلمان ایجاب می‌کرد، آقای شرودر اعلام کرد که وزیر مربوط در دولت جدید او دیگر حضور نخواهد داشت، و آنگاه با سفر به لندن از بلر می‌خواهد که زمینه لازم را برای سفر او به آمریکا فراهم سازد تا با مذاکره بتواند اختلاف نظر با آمریکا را از میان ببرد. در چنین شرایطی، آن وقت با توجه به عملکرد تجاوز گرانه بیش از دو قرن استعمار انگلستان نسبت به ایران و توطئه‌هایی که او در منطقه همگام با آمریکا مشغول به اجراء گذاردن می‌باشد، چگونه بر قدرت نشستگان این کشور ترجیح می‌دهند که بجای سخن گفتن مستقیم با آنها بر قدرت جهان و دفاع از منافع ملی کشور در بحرانی‌ترین و حساس‌ترین شرایط، به وسیله واسطه حرف خود را بزنند، آنهم واسطه‌ای که در طول تاریخ روابطش با ایران، هیچگاه گامی حتی در جهت رعایت نسبی منافع ما برنداشته و جز ضربه و تجاوز خاطرهای از آن در حافظه این ملت وجود ندارد.

جبهه ملی ایران به عنوان کهن‌ترین جریان ملی تأثیر گذار در دوران معاصر ایران که از زمان شکل‌گیری تا به امروز همیشه و در همه حال در مسیر حفظ منافع ملی با نفوذ و سلطه بیگانه رو در رو بوده است، وظیفه خود می‌داند تا به همگان هشدار دهد که استراتژی انگلستان در شرایط کنونی در مسیری است که می‌تواند پیامدهای بسیار نگران‌کننده‌ای را در بر داشته باشد. از سوی دیگر، سخن گفتن با انگلستان در واقع سخن گفتن در پس پرده و با واسطه با آمریکا بشمار می‌رود، با این تفاوت که او در انتقال مطالب دوطرفه، با شگردهای خاص خود می‌تواند نکات مورد نظر خود را بگنجانند و ما را از حضور مؤثر در تریبانات سیاسی آینده منطقه دور بدارد. اوضاع نگران‌کننده و جو حاکم بر منطقه ایجاب می‌کند تا دولتی ملی و بقیه در صفحه ۲

سرانجام شاهد آنیم که برخلاف سنت دیپلماسی انگلستان، آقای جک استراو برای سومین بار در طی ۱۳ ماه گذشته به ایران سفر می‌کند و برای جلب نظر مقامهای مسئول و مردم تا آنجا پیش می‌رود که در مصاحبه با خبرنگار روزنامه ایران، یاریهایی را که در طی جنگ هشت ساله، کشورهای غرب و از جمله انگلستان به عراق داده‌اند را کاری غلط و نه فقط اشتباه، می‌نامد. استراو سعی دارد که بیش از همه بر روی گسترش روابط با ایران و تحکیم مناسبات دو کشور

تأکید کند. انگلستان، با شناخت وسیعش از منطقه و اهمیت موقعیت استراتژیک ایران، می‌داند که برای گسترش نفوذش در منطقه بسیار مهم خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی به تفاهم نزدیک با حاکمیت ایران نیاز دارد. او در بازگشت از سفر چهارروزه‌اش به ایران، مصر، اردن و کویت، در مصاحبه با بی‌بی‌سی به صراحت اعلام داشت: "هیچ یک از دولت‌هایی که او در این سفر با سران یا وزیران امور خارجه شان گفت‌وگو کرده، مخالفتی با حمله نظامی به عراق نداشته‌اند." به گزارش ایسنا، به گفته جک استراو، وزیر خارجه انگلستان هر چهار کشور ایران، مصر، اردن و کویت اقدام نظامی علیه عراق را در صورت مطابقت با موازین بین‌المللی و به عنوان آخرین حربه، اقدامی توجیه‌پذیر می‌دانند. باین ترتیب شاهد آنیم که پیام‌رسانی‌ها و کوششهای نماینده دیپلماسی پیرترین استعمار جهانی، در مجموع نمربخش بوده و او با دست پر بازگشته است.

**در حالیکه بحران
عراق روز به روز پیش از
هر مسئله‌ای در جهان
ذهن و توجه همه
رسانه‌ها و سازمانهای
منطقه‌ای و جهانی را به
خود مشغول داشته
است، نکته قابل توجه و
مهمی که درباره
خاورمیانه کمتر به آن
پرداخته می‌شود،
دیپلماسی بسیار فعال
انگلستان است**

هم سو با آمریکا برای خود قدرت مانور بیشتری را در اتحادیه اروپا فراهم آورده است. در نتیجه، انگلستان در حوزه‌های نفتی

یادشده، به منافع افزون‌تر از قدرتهای دیگر اروپایی مانند فرانسه، آلمان و ایتالیا دست یافته است.

زمزمه‌هایی که طی چند ماه گذشته درباره ایجاد تغییرات در مرزهای جغرافیایی سرزمین‌هایی مانند عربستان، عراق، اردن و اسرائیل بگوش می‌رسد، یادآور عملکرد پیشین انگلستان در جریان جنگ‌های اول و دوم جهانی در ساخته و پرداخته کردن طرچهایی

برای ایجاد کشورهای نوپای عراق، سوریه، لبنان، اردن، اسرائیل و شیخ‌نشین‌های مستقل در خلیج فارس است.

و اینک این دولت بر آنست تا با همراهی و همگامی با آمریکا طرحی نوین را جهت تغییرات جغرافیایی و سیاسی در منطقه پیاده کند. در راه دستیابی به این خواسته، انگلستان بر آنست تا روسیه را نیز نسبت به تغییرات سیاسی در منطقه همراه سازد.

سفر بلر به روسیه برای جلب حمایت پوتین از قطعنامه آمریکا و انگلیس در شورای امنیت و تأکید او بر اینکه "مسئله روسیه اهداف بسیار مشروعی از قراردادهای جاری‌اش با عراق دارد. مسکو می‌خواهد بداند که ما نسبت به این مسأله حساس هستیم، که همینطور نیز هست" و تصویری را که خبرگزاری رویتر از صحنه در آغوش گرفتن پوتین بوسیله بلر منتشر ساخته، نشان‌دهنده آنست که بلر در جلب نظر روسیه تا حد زیادی موفق بوده است.

کارنامه سیاه تجاوز مستمر به منافع ملی ایران را در ارزیابی دیپلماسی فعال انگلستان در منطقه، فراموش نکنیم.

اگر می‌خواهیم در برابر توفانی که در راه است لطمه‌های ویرانگر بر میهن و منافع ملی مان وارد نشود، باید با انجام تغییرات بنیادین در سیاست کشور و انجام گفتگوهای سازنده با قدرتهای جهانی، خود را از فاجعه دور نگهداریم.

در حالیکه بحران عراق روز به روز پیش از هر مسئله‌ای در جهان ذهن و توجه همه رسانه‌ها و سازمانهای منطقه‌ای و جهانی را به خود مشغول داشته است، نکته قابل توجه و مهمی که درباره خاورمیانه کمتر به آن پرداخته می‌شود، دیپلماسی بسیار فعال انگلستان است. این کشور با هوشیاری و زیرکی هر چه تمامتر، در حالیکه دست در دست آمریکا دارد، می‌کوشد تا چنان نشان دهد که همه موضع‌گیریهای قدرت مدارانه و یکه‌تازانه از سوی آمریکا صورت می‌پذیرد و در واقع همگامی انگلستان با او بدین نیت است که از شدت عمل‌ها بکاهد.

انگلستان در پرتو سیاست خارجی که به اعتباری از زمان حکومت بلر پی‌گیری شده، به نحوی می‌کوشد استراتژی سیاست خارجی "تاچریسم"، در گسترش هر چه وسیع‌تر نفوذ سیاسی‌اش در حوزه پیشین خود نفوذ استعماری را پی‌بجوید.

انگلستان به روشنی بر این امر آگاهی دارد که در چارچوب اتحادیه اروپا قادر نخواهد بود نقش رهبری را بر عهده بگیرد و به بازسازی استراتژی استعمار فرانونین خود و تثبیت موقعیتش در خاورمیانه و دو منطقه مهم انرژی خلیج فارس و دریای مازندران توفیق دلخواه را بدست آورد. از اینرو چنانکه شاهد می‌باشیم، ضمن حفظ عضویت خود در اتحادیه اروپا، به شماری از اصول و استراتژیهای آن از جمله پول واحد و ایجاد یک نیروی نظامی مستقل از ناتو تن در نمی‌دهد و در برابر با اتخاذ یک سیاست